

مجسمه‌سازی

با ضایعات خودروی اسقاطی

به بهانه روز جهانی هنر با «مریم کاظمی» که شیوه نوینی از ساخت آثار حجمی با مفتول، پیچ، مهره، ضایعات خودرو، زنجیر آهنی و... را اجرای کند و از لندن، آلمان، قطر و... مشتری داشته است، گفت و گو کردیم



مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

دست و پنجه نرم کردن با فلزات و آهن آلات به خاطر سرسختی آن‌ها، معمولاً جزو پرچالش‌ترین و جانفرس‌ترین مشاغل محسوب می‌شود. این کار قطعاً برای یک خانم، در دسرهای بیشتری دارد به خصوص اگر بخواهید آثار حجمی خاص و متفاوتی را تولید کند. «مریم کاظمی» مجسمه‌سازی است که ۱۷ سال به عنوان مدیر مالی مشغول فعالیت بوده اما یکهو تصمیم می‌گیرد تا به سراغ یکی از مشاغل مورد علاقه‌اش از کودکی برود. بنابراین از شغلش استعفا می‌کند و یک کارگاه مجسمه‌سازی با ضایعات آهن در تهران راه می‌اندازد. او برای ساخت این آثار حجمی و تندیس‌ها، خودش برای جمع‌آوری ضایعات فلزی دست به کار می‌شود و به آهن سخت و سرد در قالب مجسمه‌های بارو و لطیف، جان می‌دهد. در پرونده امروز زندگی سلام و به بهانه روز جهانی هنر به سراغ او رفتیم که تصاویر آثار هنری‌اش در شبکه‌های اجتماعی پر بازدید شده و حتی در رسانه‌های خارجی هم مورد توجه قرار گرفته است. امروز یعنی ۱۵ آوریل، روز جهانی هنر توسط انجمن بین‌المللی هنر (IAA) به منظور ارتقای آگاهی از فعالیت‌های خلاقانه هنری در سراسر جهان نام‌گذاری شده است.



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳

۶ شوال ۱۴۴۵ - ۱۵ آوریل ۲۰۲۴

شماره ۲۱۴۶۷

۲۶۸۶

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

این قدر ناخنت رو نجو

جویدن ناخن عادت اشتباهی است که می‌تواند عواقب بدی برای سلامت داشته باشد

ترفندهای دوستیابی

در میان سالی

چرا طلاق آثاری مانند ترک کوکائین دارد؟

طنز | چرا لیگ برتر ما

در دنیاتک است؟

در آدم‌درمان مدیریت مالی بودن بیشتر بود اما...

از این هنرمندی می‌پرسم که آیا شده تا حالا از انتخاب این شغل پشیمان شود؟ آیا درآمدش در زمان مدیریت مالی بودن بیشتر بوده یا الان؟ او می‌گوید: «من آن زمانی که کار مالی می‌کردم چون سمت و مسئولیت‌های بسیار خوب بود، درآمد بالا و نسبت به تورم، جذاب بود. البته مسئولیت‌های سنگین بود و استرس زیادی داشت. به همین دلیل تصمیم گرفتم که استعفا کنم و یک کار آسان‌تر انجام بدهم که مورد علاقه‌ام هم باشد. درباره این که بعد از تغییر شغل پشیمان شدم یا نه، راستش را نخواهید، بعضی وقت‌ها خیلی پشیمان می‌شوم چون خیلی به من سخت می‌گردد. اگر بگویم که واقعا از من چیزی نمانده، دروغ نگفتم. بارها پیش آمده که به خاطر فشار کاری در همین کارگاه شروع کردم به گریه کردن. بعضی وقت‌ها شب که به خانه می‌روم، می‌گویم که از فردا دیگر در این کارگاه نمی‌روم اما باز دلم نمی‌آید چون زحمت زیادی برای آن کشیدم.»



سختی‌های این شغل، یکی دوتا نیست

از خانم کاظمی می‌خواهم برای ما درباره سختی‌های این حرفه و چالش‌هایش کمی بیشتر توضیح دهد که می‌گوید: «اولین سختی، محیط گرم و پر سروصدای کارگاه است. این که باید آهن سرسخت را شکل دهیم، از سختی‌های دیگر کار است. یکی از قسمت‌های سخت این کار، بر خوردن آدم‌ها با من است. مثلاً چند باری پیش آمده که چند نفر به کارگاه آمدند و چون من خانم هستم، بعدش فهمیدم که از من زدنی کردند و چندتا از اثرهایم را بردند. آدم‌های ناجور هم گاهی به کارگاه می‌آیند. این جور چیزها برایم خیلی اذیت‌کننده بوده. علاوه بر این، جور کردن مترايل، گشتن در ضایعات در گرما و سرما، وصل کردن این‌ها به هم تا رسیدن به نتیجه نهایی و... خیلی سخت است. اگر بگویم این شغل در حد کار در معدن سخت است، گراف نگفتم. یک بخش دیگر هم بحث درگیری روانی و ذهنی این کار است. مثلاً هر روز باید تجسم کنم که امروز می‌خواهم چه چیزی بسازم و آیا ارزش دارد که روی آن وقت بگذارم یا نه؟ گاهی وقت‌ها شب نمی‌توانم بخوابم از بس که ذهنم مشغول است. باید ساعت‌ها فکر کنم که می‌خواهم چه چیزی بسازم، جزئیاتش چطور باشد و این مسئله باعث می‌شود که ذهنم بیش از حد درگیر باشد. گاهی بیش می‌آید که من جلوی تلویزیون روشن می‌نشیم اما آن را نمی‌بینم چون ذهنم درگیر چیز دیگری است و به فکر طرح‌هایم هستم. کلاً تفریح دیگری هم به جز کار ندارم. به عبارتی دیگر، این کار همه زندگی‌ام را درگیر کرده است.»

هدفم شناخته شدن این هنر است

«کلا آثاری که با دست ساخته می‌شوند، خاص و پر طرفدار هستند. من در این سال‌ها طرح‌های زیادی تولید کردم و برای همه‌شان زحمت زیادی کشیدم. از نظر خودم، خاص‌ترین‌شان مجسمه مرد هزار چهره است که خیلی هم از آن استقبال شد. کارهای ریابیک و دو چرخه و... هم زحمت زیادی برای تولیدشان کشیده‌ام.» خانم کاظمی با این مقدمه و در پایان می‌گوید: «من سعی می‌کنم این حرفه را تاجایی که می‌توانم ادامه بدهم. برایم مهم است و هدفم این است که بیشتر شناخته شود و مورد توجه قرار بگیرد. اکنون سفارش‌هایی از داخل ایران و خارج دارم و دوست دارم یک روزی را ببینم که آثارم را به تمام کشورهای جهان صادر می‌کنم.»



طرح‌هایم چکیده خلاقیت‌هایم است

از خانم کاظمی درباره اولین قدم برای تولید یک مجسمه یا پیکره فلزی می‌پرسم که این‌طور توضیح می‌دهد: «بگذارید بایک مثال این مسئله را برای‌تان شفاف کنم. من الان در حال ساختن یک کشتی هستم. وقتی می‌خواهم کشتی بسازم، ابتدا در اینترنت، طرح‌های کشتی‌های متعدد را می‌بینم و به جزئیات آن‌ها دقت ویژه‌ای می‌کنم. سپس همه آن‌ها را بررسی می‌کنم. از میان همه‌شان به یک جمع‌بندی می‌روم و یک طرح جدید می‌زنم که تصمیم می‌گیرم آن را پیاده و بسازم. الان برای تولید همین کشتی

ضایعات فلزی را دانه به دانه جمع‌آوری می‌کنم

او درباره این که مواد اولیه ساخت این آثار حجمی را چطور تهیه می‌کند، می‌گوید: «معالج اصلی ما آهن است. از مفتول و ورق آهن در سائزهای مختلف بگیریم و همین‌طور ضایعات خودرو برای



ساخت هر اثر بین یک هفته تا یک ماه زمان می‌برد

از او می‌پرسم که تا حالا چندتا اثر تولید کرده و ساخت هر کدام از آن‌ها چه قدر زمان برده است که می‌گوید: «خیلی اثر تولید کردم. من تقریباً به صورت حرفه‌ای، دو سال است که مشغول این کار هستم و خیلی کارهای متفاوت و آثار حجمی فلزی را تولید کردم. تعداد آن‌ها که فروختم قطعاً بیشتر از ۱۰۰ مورد بوده است. درباره

ساخت هر اثر هم باید بگویم که این مسئله بستگی به عوامل مختلفی دارد اما از آن‌ها، مثلاً از لندن، کشورهای پیچیدگی آن، جزئیاتش و... با این توضیحات، تقریباً از یک هفته شروع می‌شود. یعنی یک طرح حداقل یک هفته و بیشتر این‌ها تا یک ماه هم زمان برده است.»

از لندن و کشورهای حوزه

خلیج فارس مشتری داشتیم

خانم کاظمی با اشاره به این که از کشورهای خارجی هم پیشنهاد ساخت آثار حجمی داشته، می‌گوید: «مشتری خارجی هم در این سال‌ها داشتم. مثلاً از لندن، کشورهای حوزه خلیج فارس مثل قطر، کویت و... مشتری داشتم که از همین مجسمه‌هایم خریدند. همچنین سفارش‌هایی از عراق و آلمان هم داشتم. در مورد درآمد، برای سازمان‌ها هم فقط یک بار برای شهرداری دوتا آلمان ساختم که آن هم ۲ سال پیش بود. یک مجسمه کلاه قرمزی را ساختم و یک خرگوش که به یک شهرستان از سال شد.»

قیمت این مجسمه‌ها از ۷ تا

۶۰ یا ۷۰ میلیون تومان است

خانم کاظمی درباره قیمت تقریبی آثاری که برای ساخت آن‌ها زحمت زیادی کشیده می‌شود، می‌گوید: «ببینید، نسبت به زحمتی که برای هر مجسمه یا اثر حجمی یا تندیس کشیده می‌شود، نمی‌توان نسبت به سختی که برای آن کشیده شده، رویش قیمت گذاشت چون مردم در ایران، توان خرید آن را ندارند. اما بخواهم تقریبی بگویم، طرح‌هایم از ۷ یا ۸ میلیون تومان شروع می‌شود تا ۶۰ یا ۷۰ میلیون تومان. قیمت آن بستگی به عوامل مختلفی دارد اما تقریباً در همین بازه است.»

به این کار چلنگری می‌گویند

به عنوان اولین سوال از او می‌پرسم که نام این هنر و حرفه دقیقاً چیست که می‌گوید: «این آثاری که می‌سازم، مجسمه‌های فلزی هستند اما در اصل به این کار چلنگری



می‌گویند یا نوعی چلنگری است که در آن به آهن بر اساس چیزهایی که در ذهن مان است یا مردم سفارش می‌دهند، شکل می‌دهیم؛ بنابراین هر شکل و طرحی که به من داده شود یا به ذهنم خطور کند، من این قابلیت را دارم که با آهن، مفتول و ورق آن را اجرا کنم و بسازم تا به یک مجسمه یا پیکره تبدیل شود. در این کار خرده‌های آهن را به هم جفت و جور می‌کنم بنابراین نه آهن‌گری صرف است و نه مجسمه‌سازی معمولی.»

مردم در این شغل کم می‌آورند

ظاهر این شغل بسیار سخت و پرچالش به خصوص برای یک خانم به نظر می‌رسد. نظر خانم کاظمی را در این باره جویا می‌شوم که می‌گوید: «دقیقاً درست است. این شغل مردانه است و اصلاً یک جوری است که مردها در این شغل کم می‌آورند. من خودم بارها شده که کم آوردم و احساس کردم که دیگر نمی‌توانم این شغل را ادامه بدهم اما چون خیلی علاقه‌مند بودم، ادامه دادم و سختی‌هایش را تحمل کردم. این شغل به خصوص از نظر بدنی خیلی سخت است، توان بالایی می‌طلبد و انرژی زیادی هم می‌برد. همچنین باید حوصله و صبر بسیار زیادی هم داشت و زود خسته نشد و گرنه اثر نهایی، ماندگار نخواهد بود.»



۱۷ سال مدیریت مالی بودم

و سال ۹۶ استعفا دادم

این هنرمند، سال‌ها به عنوان مدیر مالی کار می‌کرده است اما ناگهان تصمیم به رها کردن فعالیت دفتری می‌گیرد و یک کارگاه مجسمه‌سازی در تهران راه می‌اندازد. از او می‌پرسم که دقیقاً چه اتفاقی افتاد که چنین تصمیمی را گرفت که می‌گوید: «۱۷ سال مدیر مالی یکی از بیمارستان‌های تهران بودم اما سال ۹۶ استعفا دادم. دلایل هم این بود این کار یعنی مجسمه‌سازی از ابتدا جزو علائق زندگی من بود و احساس کردم که دیگر نباید زمان را برای رسیدن به این هدف و آرزویم از دست بدهم. بنابراین تصمیم گرفتم در ابتدا یک کارگاه کوچک باز کنم اما یک دفعه، سر از این کارگاه بزرگ فعلی در آوردم. با خودم برنامه‌ریزی کرده بودم که در ابتدا مقداری کار هنری بکنم تا یک مقداری به من آرامش بدهد اما یک دفعه افتادم در این شغل و الان دیگر یک کار صنعتی شده و از مجسمه‌سازی کوچک و ساده فاصله گرفته است. ابتدا می‌خواستم فقط یک کار هنری بکنم و یک کارگاه معمولی داشته باشم اما الان وارد یک مرحله دیگر شدم چون از محصولاتم استقبال شد و خودم هم همیشه دنبال انجام کارهای بزرگ هستم.»